

عرفان حلقه

مؤسس و رهبر فرقه

محمدعلی طاهری، فرزند محمدآقا متولد ۱۳۳۵ کرمانشاه، از پدر و مادری مسلمان، دارای همسر و دو فرزند، ساکن تهران است.

او در اواخر دهه چهل و پس از گذراندن دوره ابتدایی، به دلیل شغل خواهرش، که کارمند تأمین اجتماعی بود، به همراه خانواده به تهران عزیمت کردند. پدرش در ابتدای ورود به تهران، در بخش خدماتی اشتغال داشت. محمدعلی کم‌کم به کارهای فنی علاقه‌مند و در دوران نوجوانی و جوانی او، پرواز و ماکت هواپیما مورد توجه جوانان و همسالان او بود. آنها هواپیمایی با موتورهای خیلی ساده تا پیچیده را می‌خریدند و با گذاشتن موتور و راه‌اندازی و سوخت‌گذاری در آن دست به ابتکاراتی می‌زدند. وی با شرکت در نمایشگاه ابداعات و اختراعات جوانان، مورد توجه ساواک قرار گرفته و از دست نخست‌وزیر وقت (هویدا) جایزه دریافت کرده بود، با این‌همه، در پیشرفت درسی موفق نبوده و نتوانست دیپلم بگیرد. گفته می‌شود در سال ۱۳۵۵ مأموران ساواک، ملاقات‌هایی با وی انجام داده و پیشنهاد می‌کنند که در قبال اعزام وی به کشور آمریکا و بورسیه کردن او در جهت کنترل دانشجویان ایرانی ساکن آمریکا با آنان همکاری نماید! ولی به دلیل نداشتن دیپلم، در عمل این کار اتفاق نیفتاد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، وی گرایش‌هایی به ماتریالیسم و گروهک چریک‌های فدایی خلق پیدا کرد. در بازرسی کمیته انقلاب اسلامی از منزل وی، تعدادی کتاب و اعلامیه‌های این گروهک کشف شده و برای مدت کوتاهی نیز بازداشت بود. در این مقطع، منزل مسکونی خود را تغییر داده و به همراه خانواده، به منزلی که در اطراف کرج ساخته بودند، منتقل شد (امینی، ۱۳۹۲).

دوره تاریک و مبهم زندگی طاهری

طاهری که با شکست‌های پی در پی از تحصیل در ایران بازمانده بود، با سفر به کشورهای خارجی سعی در ادامه تحصیل داشت. ابتدا به ژاپن عزیمت کرد (این سفر حائز اهمیت است، زیرا ژاپن از کشورهای مطرح در رواج شبه عرفان‌های شرقی است)؛ اما به گفته خودش، به علت مشکل بودن فراگیری این زبان و بالا بودن مخارج، پس از حدود یک‌سال مجدداً به کشور بازگشت. طاهری می‌گوید:

من در ژاپن در دانشگاه آکادمی وسدء، که پذیرفته شده بودم، می‌بایستی با زبان آنها آشنا می‌شدم، به چند ماهی شاید پنج شش ماه موندم و بخشی از مکالمه و فلان رو یاد گرفتم. زبان نوشتن دانشگاه بود دیگه. بعد عرض کنم خدمت شما که دیدم نه! این بحث به اصطلاح حروف کانبجی دو سه نوع خط

ریشه‌یابی فرقه عرفان حلقه کیهانی در فرقه ریگی ژاپنی

reza626@gmail.com

محمودرضا قاسمی / دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم
دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۳

چکیده

فرقه عرفان حلقه کیهانی، به سرکردگی محمدعلی طاهری از اواسط دهه هفتاد شمسی فعالیت خود را در حوزه عرفانی و درمانی آغاز کرد و در اواسط دهه ۸۰ به اوج خود رسید و علی‌رغم دستگیری وی، هنوز این نحله توسط مربی‌های خود در سطح کشور به راهنمی ایمان جوانان و خانواده‌های این مرز و بوم می‌پردازد. طاهری بحث فرادرمانی و اصطلاح خود ساخته سایمتولوژی را کرامت خود در مکتب عرفانی‌اش دانسته و همگان را دعوت به تجربه در این مورد می‌نماید، تجربه‌ای که شرط آن تسلیم بودن و شاهد بودن است و هدف از آن اتصال به شبکه شعور کیهانی یا همان روح القدس است. وی با این فریب بزرگ اولاً ادعا می‌کند که تمام این مباحث به او وحی شده و الهاماتی است که از سوی خداوند به وی صورت پذیرفته و این مباحث را از جایی اقتباس نکرده است و ثانیاً او درصدد بیان عرفان اصیل ایرانی اسلامی است. این مقاله سعی دارد این دو ادعا را باطل نماید و به این منظور این تحقیق مشخص می‌کند که الهامات مورد ادعای وی قبلاً در مکاتب الحادی دیگر همچون ریگی (انرژی درمانی ژاپنی) ظهور و بروز داشته است. از جمله موارد تشابه بین این دو نحله عبارتست از: شعور کیهانی و هوشمندی آن، شفا دهی در حلقه و ریگی، تفویض، درمان توسط شخص آموزش دیده و خاص، رهایی از اعتقاد به هر مذهبی، اجازه قبل از اتصال، لایه‌ی محافظ، برون ریزی در ریگی و حلقه، بازگشت دوباره بیماری، اسکن کردن در حلقه و ریگی، تسلیم و شاهد بودن، درمان در ریگی و حلقه سبب وحدت وجود، مراتب سپاسگزاری از شعور کیهانی؛ که این همه شباهت کذب ادعای دوم او را نیز سبب می‌شود و مشخص می‌نماید نه تنها عرفان او اسلامی نیست؛ بلکه مخالف قرآن بوده و غیر الهی بودن آن مشهود است.

کلیدواژه‌ها: عرفان حلقه، ریگی، اتصال، شعور کیهانی، تفویض، تسلیم، روح‌القدس.

جداگانه دارند. هیراگانا و کاتاگانا رو یاد گرفتیم. به کانجی که رسید، دیدم آقا این خیلی مفصل و طولانیه. به کانجی که رسید دیدم، اینا خودشون تا دیپلم می‌گیرن کانجی بلد نیستند کامل. توجه می‌کنی؟ یعنی طول می‌کشه. اینا هی تیکه تیکه یاد می‌گیرند تا دیپلم که بگیرن کامل بشه. گفتم که این در حوصله من نیست و برگشتم (طاهری، ۱۳۹۲الف).

سپس، به همراه خواهر و شوهرخواهرش به ترکیه رفت تا در دانشگاه آنجا به تحصیل بپردازد. در سفر ترکیه ایشان ابهاماتی وجود دارد. اینکه ادعا می‌کند در دانشگاه «ارتادو» تحصیل کرده، ولی دانشگاهی به این نام در ترکیه یافت نشده است. البته دانشگاهی به نام «ارتادوگو» به معنی «خاورمیانه» وجود دارد. ولی نام وی در آن دانشگاه ثبت نشده و در ضمن ایشان هیچ مدرکی دال بر تحصیل در آن دانشگاه ارائه نکرده است. همچنین طبق گفته خودشان، پس از سه سال، یعنی قبل از پایان یک دوره کارشناسی به کشور بازگشته است!

طاهری در ایران خود را «مهندس مکانیک» همان مهندسی فنی، که خواسته قلبی‌اش بوده است، معرفی می‌کند. هرچند خود ایشان اظهار می‌کند در دانشگاه «اورتادو»ی ترکیه ثبت‌نام کرده‌اند و به‌جای مهندسی فنی، اشتباهاً مهندسی محیط را انتخاب کرده‌اند. البته پس از تحقیقاتی مشخص شد، ثبت‌نامی نداشته و یا به دلیل عدم ارائه دیپلم مورد قبول، قطعی یا امکان‌پذیر نشده است، حتی اگر اظهارات فوق درست باشد، باز هم ایشان فاقد مدرک مهندس مکانیک و حتی دکتر می‌باشد.

ریگی چیست؟

«ریگی» به معنای انرژی کیهانی، در اواسط قرن ۱۹م توسط دکتر میکائو اوسویی در ژاپن تجدید حیات یافت. استاد اعظم هاوایو تاکاتا (۱۹۸۰-۱۹۰۰م)، داستان پژوهش دکتر اوسویی را چنین نقل می‌کند:

میکایو اوسویی مدیر مدرسه علوم دین مسیحی در توکیو بود. روزی چند تن از شاگردان این جماعت مذهبی از او پرسیدند: چرا از روش‌های شفابخشی که عیسی مسیح به کار می‌برده، چیزی نمی‌شنوند؟ و آیا دکتر اوسویی قادر است دردهای آنها را شفا بخشد؟ از آنجا که دکتر اوسویی توان پاسخ به چنین پرسش‌هایی را نداشت، تصمیم گرفت از مقام خود استعفا کرده و برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها، مسیحیت را در کشوری مسیحی مطالعه کند.

سفر اوسویی او را به آمریکا هدایت کرد و در دانشگاه شیکاگو حضور یافت. او به اخذ دکترای دین‌شناسی نایل آمد. با این وجود، نتوانست در متون مسیحیت پاسخی رضایت‌بخش بیابد و در متون مذهبی نیز چیزی نیافت. او به شمال هند سفر کرد تا بتواند نوشته‌های مقدس را مطالعه کند. دکتر اوسویی نه فقط به زبان‌های ژاپنی، چینی و انگلیسی تسلط داشت، بلکه به زبان سانسکریت نیز مسلط بود. پس از این سفر به ژاپن برگشت. آنجا برخی از نشانه‌ها و نمادهای سانسکریت را در سوتراهای کهن بودایی کشف کرد [سوتراها

کلمات یا عبارات کلیدی هستند که فرد مراقبه‌کننده پس از آرام یافتن ذهن خود به کار می‌برد تا تجربه‌های ذهنیش را عینیت بخشد. او پس از ۲۱ روز مراقبه و روزه در کوهستان مقدس کوری یاما، سعی کرد برای رسیدن به حقیقت نمادهای مدون سانسکریت، با آن سطح از آگاهی ارتباط برقرار کند. پس از ۲۱ روز، نور عظیم سفیدی ظاهر شد و او نماد مشهور سانسکریت را در مقابل خود دید که به رنگ طلایی شفاف می‌درخشید. اوسویی گفت: «بله به خاطر می‌سپارم» و این زمان، لحظه تولد سیستم ریگی اوسویی بود.

در شفای بیماران با مسائلی برخورد کرد که باعث شد، به چند جمله قصار بیانیشد که بعدها به‌عنوان شعرهای ریگی مطرح شد (یاگینسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۳۳ و ۳۶).

در اینجا ذکر این نکته لازم است که دریافت هر آگاهی دلیل بر حقانیت و رحمانی بودن شهود نیست. همان‌گونه که بودا یا همان سیدارته گوتاما نیز در زیر درخت انجیر به آگاهی دست یافت، همان درختی که بعدها به درخت دانش موسوم شد (شاله، ۱۳۵۵، ص ۱۱۶).

درواقع بودا در زیر درخت دانش! نشست تا نور اشراق به قلبش بتابد و پس از بازگشت نخستین چیزی که منکر شد اصل ثابت در نظام آفرینش بود و همه چیز را بر مبنای نگاه مادی و ماتریالیستی توجیه کرد، وی در برخورد با راهبان چنین بیان داشت:

آب همیشه سراشبی می‌رود، آتش همیشه داغ است و یخ همواره سرد. اگر برای همه خدایان هندوستان هم دعا کنیم، آب هرگز سربالا نمی‌رود و آتش سرد و یخ گرم نمی‌شود؛ زیرا در زندگی قانون‌هایی یافت می‌شود که همه چیز بر آنها استوار است. از این رو، کاری که انجام گرفت، قابل ابطال نیست و دعا و قربانی برای خدایان نیز سودی ندارد (توفیقی، ۱۳۸۵، ص ۴۱).

او پس از این همه ریاضت به اینجا رسید که جهان بر مبنای یک سری قوانین طبیعی حرکت می‌کند و اصل عالم نیز مادی است. همان‌گونه که ریگی نیز اساس انجام شفادهی خود را منتسب به قوانین طبیعی صرف می‌داند. از اینجا مشخص می‌شود که هر اشراقی رحمانی نیست و شیطان هم از همین کلام پنهان و نجوای درونی استفاده می‌کند تا دوستانش را به گمراهی و جدال با حق‌گویان بکشاند. «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيَّ أَوْلِيَانَهُمْ لِيَجَادِلُوكُمْ» (انعام: ۱۲۱)؛ به‌راستی که شیطان‌ها به دوستانشان وحی می‌فرستند تا با شما جدال کنند.

اصول اخلاقی ریگی

الف. فقط برای امروز نگران مباش؛

ب. فقط برای امروز خشمگین مشو؛

ج. والدین، معلمان و بزرگان را محترم شمار؛

د. معاش را شرافتمندانه تأمین کن و سپاست را به هر چیز ابراز نما (وینسر، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

این کلمات به‌ظاهر زیبا برگرفته از قوانینی است که حقیقت هستی یعنی خدا را در آن نمی‌توان جست. در اینجا هدف از احسان و نیکی توجه به حقیقتی به نام خدا نیست، بلکه به‌واسطه تأثیری است که در تعاملات انسانی دارد و این تعالیم ریگی بسیار شبیه تعالیم اخلاقی بوداست. مدت کوتاهی پس از مرگ هاوایو تاکاتا، چند تن از معلمان ریگی جامعه آمریکایی، ریگی را در آگوست ۱۹۸۰ برای سازماندهی و هماهنگی در انتقال دانش ریگی بنیان‌گذاری کردند. امروزه ریگی، توسط دو سازمان عرضه می‌شود که موفقیت چشمگیری به‌دست آورده و هر دو در آمریکا پایه‌گذاری شده‌اند. یکی از آنها جامعه بین‌المللی ریگی در آمریکا است (ای.آی.آر.ای) که هم‌اکنون «تی.آر.تی.ای» خوانده می‌شود و دیگری پیمان ریگی است.

پیمان ریگی در سال ۱۹۸۱ توسط فیوروموتو، نوئه هاوایو تاکاتا و گروهی متشکل از بیست و یک معلم ریگی، در شکل یک بنیاد آزاد بنیان‌گذاری شده است. پیمان ریگی، برخوردی معنوی با گسترش ریگی دارد و حافظ تعالیم سنتی است. این پیمان، معتقد است که حقیقت، خود را در قلب آدمی می‌یابد، که بر آن گشوده‌اند و آماده دریافت آن هستند (پالان، ۱۳۸۴، ص ۱۵).

همان‌گونه که بیان شد از این دیدگاه هرچه هست در درون آدمی است و این یعنی همان شباهت به بودیسم که با قطع ارتباط انسان با مبدأ الهی کاملاً ماتریالیستی به ساحت انسانی دارد و از این رهگذر حتی روح بزرگ ریگی هم مادی است و هرچه هست کائنات و قوانین حاکم بر آن است، ضمن آنکه ما معتقدیم القائنات در ریگی جنبه شیطانی دارد که در ادامه اشاره خواهد شد. در ریگی و به‌تبع آن عرفان حلقه برای اثبات هوشمندی، به ماده صفت شعور نسبت داده می‌شود که برخلاف مبانی مستدل معرفتی ادیان است، البته این مطلب که شیاطین و اجنه هم هوشمند هستند و حتی اقدام به ارسال آگاهی و وحی می‌کنند در آیه ۱۲۱ سوره انعام اشاره شد و بیان شعورمندی ماده سرپوشی بر استفاده از این نیروها بدون توجه به تبعات مادی و معنوی آن است که مهم‌ترین تبعات معنوی آن شرک به خدای متعال بوده که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَانًا وَإِنَّ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا» (نساء: ۱۱۷)؛ آنچه غیر از خدا می‌خوانند، فقط بت‌هایی است (بی‌روح)، و (یا) شیطان سرکش و ویرانگر است.

ارتباط حلقه و ریگی

در ادامه به بررسی اقتباسات طاهری از ریگی برای درمان پرداخته و مفاهیم مشترک ارائه می‌شود.

آموزه‌های عرفان حلقه، با ریگی مشابهت‌هایی دارد که حضور طاهری در ژاپن (حدود یک سال) این نظر را تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد، بسیاری از الفاظ و مفاهیم کلیدی حلقه مثل شعور کیهانی، تقویض، اسکن و... برگرفته از آموزه‌های ریگی باشد. البته این مطلب به نوعی در کتاب طاهری آمده است. او می‌گوید: «جهان هستی مادی از شعور آفریده شده است و همه اجزا و ذرات آن شعور هستند» (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۵۲).

بی‌شک پس از تطبیق اندکی از عقاید گروه ریگی (مکتبی ژاپنی) با افکار عرفان حلقه روشن می‌شود که عمدتاً عرفان حلقه زاینده و اقتباس شده از عقاید و اعمال ریگی هست.

شعور کیهانی و هوشمندی آن در حلقه و ریگی

در ریگی درباره شعور کیهانی آمده است:

به‌راستی، این انرژی که تجلی‌بخش همه اشکال هستی است، غیر قابل تخمین و عظیم است. شعوری که زندگی و ساختارهای آن را شکل می‌دهد، بی‌نهایت عظیم و غیر قابل سنجش است... بسیاری از دانشمندان به این نکته پی برده‌اند که تنها یک پاسخ به‌جای می‌ماند: یقیناً نیروی باشعور و برتری وجود دارد. روحی جهانی که دائماً در کار خلق جهان از خویش است. آخرین گسترش‌های فیزیک کوانتوم به این اندیشه بسیار نزدیک است. نظریه فوق جاذبه، حیات استاندارد و حوزه کاملاً متعادل را توصیف می‌کند که قائم به ذات خویش است. حوزه شعور خالصی که برای ساختن پایه‌های خلقت، تمامی اشکال ماده را شکل می‌دهد (باگیسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۲۹).

طاهری درباره شعور کیهانی چنین می‌گوید:

اساس این عرفان بر اتصال به حلقه‌های متعدد شبکه شعور کیهانی (هوشمندی حاکم بر جهان هستی) استوار است... فیض الهی به‌صورت‌های مختلف در حلقه‌های گوناگون جاری بوده که در واقع، همان حلقه‌های رحمت عام الهی (شبکه هوشمند کیهانی) است که می‌توان مورد بهره‌برداری عملی قرار گیرد. از آنجاکه اتصال نمی‌تواند بر اساس تکنیک و فن و روش حاصل شود، در این شاخه نیز هیچ‌گونه فن و روش، تکنیک و... وجود نداشته و در آن توان‌های فردی هیچ جایگاهی ندارد (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

البته طاهری در بیان شعور کیهانی خود، از فیزیک کوانتوم هم مدد گرفته است: «تأمل بیشتر درباره شعور کیهانی این حقیقت را آشکار می‌کند که شعور کیهانی پویایی در متن جهان مادی و نیرویی جاری در آن است که با مباحث فیزیک کوانتوم، ذهن به آن نزدیک می‌شود». شعور کیهانی از منظر طاهری، شالوده اصلی جهان مادی است و نسبت آن با جهان مادی، نسبت حقیقت به مجاز است. اما نسبت شعور کیهانی با خداوند نیز نسبت مجاز به حقیقت است. براساس تعالیم عرفان حلقه، شعور کیهانی در راهی که هدف آن خداست، مجاز است (طاهری، ۱۳۸۸، الف، ص ۶۳).

نیلز بوهر در ابهاماتی که در اثر تجربه وضعیت کوانتومی ذرات بنیادین مشاهده کرد، تئوری مکملیت موج - ذره را پیش نهاد نموده اگرچه این تئوری هنوز تئوری است، اما توانایی توجیه برخی رویدادهای فیزیکی را دارد. مشکل این تئوری این است که متناقض به نظر می‌رسد؛ زیرا باید بپذیریم ماده از ذرات ریزی درست شده است که گاهی ذره نیستند و به صورت موجی از انرژی یا بسته کوچکی از انرژی تجربه می‌شوند.

نیلز بوهر، برای توجیه این حالت دوگانه و متناقض‌نما، شعورمندی ماده را مطرح کرد و گفت: چه‌بسا که ماده باشعور است و گاه خود را به صورت ذرات و گاه به صورت موج نشان می‌دهد (کاپرا، ۱۳۷۵، ص ۷۱ و ۷۲).

طاهری در بیان مطالب خود، نگاهی ویژه به کوانتوم دارد. گو اینکه مباحث نسبی آن را قابل تعمیم در کل معارف هستی‌شناسی می‌داند تا آنجا که جهان آفرینش را در نگاه خود مجازی می‌پندارد. طاهری در این باره می‌گوید:

از نگاهی دیگر نیز می‌توان به این نتیجه رسید، بدین گونه که در فیزیک مدرن ماده، موج مترکم است و موج نیز خود حرکت تلقی می‌شود. پس همه جهان هستی مادی، چه از بُعد ماده نگاه شود و چه از بُعد انرژی، از موج ساخته شده و همان گونه که اشاره شد، موج نیز از «حرکت» به وجود آمده است. با شرح مختصر و ساده‌ای که گذشت، اینک می‌توان به پرسش طرح شده قبلی، که آیا جهان هستی مادی حقیقت وجودی دارد یا خیر؟ پاسخ داد. در جواب می‌توان گفت: با توجه به اینکه جهان هستی مادی از حرکت آفریده شده است، پس جلوه‌های گوناگون آن نیز ناشی از حرکت بوده و نظر به اینکه هر جلوه‌ای که ناشی از حرکت باشد، مجازی است. در نتیجه، جهان هستی مادی نیز مجازی بوده و حقیقت وجودی ندارد (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۲۹).

علی‌رغم ادعای طاهری مبنی بر نو بودن اصطلاحات عرفان کیهانی و انکار هرگونه اقتباس از مکاتب دیگر، «شعور کیهانی» بیشترین اقتباس خود را از ریگی گرفته است.

طاهری در کتاب *انسان از منظری دیگر* (ص ۱۰۲-۱۰۹) توضیحات مبسوطی در خصوص انرژی و پولاریتی و اصطلاحات مربوط به آن ارائه کرده، در نهایت اضافه می‌کند: فرادرمانی، انرژی‌درمانی، نیرودرمانی نیست؛ زیرا انرژی‌درمانی متکی به حوزه پولاریتی بدن درمانگر است، درحالی‌که فرادرمانی، به شبکه شعور کیهانی متکی است. حوزه پولاریتی را همه انسان‌ها دارند، ولی در بعضی از افراد قوی‌تر از سایرین است. «انرژی درمانی» جزء بسیار کوچکی از «فرادرمانی» است. لازم است که فرادرمانگران به آن توجه کافی داشته باشند تا معرفی شبکه شعور کیهانی به بهترین نحوی انجام شود (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

اگرچه این واژه مفهوم عامی است که در سایر فرهنگ‌ها به اسامی دیگری شناخته می‌شود و ریگی برای نمونه گفته می‌شود:

بسیاری از نژادها، فرهنگ‌ها و مذاهب همواره از وجود این انرژی «کی» آگاه بوده‌اند. از این رو، «کی» را چینیان «چی»، مسیحیان «ایت» و یا روح‌القدس، هندوها «پرانا»، جادوگران قبایل بدوی «مانا» و پژوهشگران روسی انرژی پلاسمای حیاتی، نامیده‌اند... در برخی از نظام‌های نامبرده، لازم است تمرین‌های طولانی شود و معمولاً پیش از آنکه انرژی مطلوب آزاد گردد و به کار گرفته شود، خلوت‌گزینی زیادی لازم است (باگینسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۲۵-۲۷).

درواقع، باگینسکی اشاره می‌کند این نیرویی که در ریگی تحت عنوان انرژی کیهانی از روح بزرگ ریگی گرفته می‌شود، مبدع آن اوسویبی نیست؛ او هم از مکاتب و نحله‌های باستانی آن را گرفته است. جایی به اسم چی و جای دیگر به نام پرانا و... درواقع، این انرژی مرموز حتی میان جادوگران «مانا» نامیده شده است. بنابراین، طرح مباحث اتصال به روح‌القدس یا انرژی کیهانی با عناوین الهی همچون اتصال به حبل‌الله، یدالله یا روح‌الله، چیزی جز انحراف از حقیقت نیست؛ زیرا این اصطلاح و نحوه اتصال حتی در میان نحله‌هایی جدا از توحید نیز یافت می‌شود و طاهری چگونه ادعا می‌کند که عرفان او عرفان اصیل ایرانی - اسلامی است، درحالی‌که شبکه به اصطلاح شعور کیهانی او در مکاتب الحادی چون ریگی و یوگا و نیز مباحث ساحران تحت عناوین دیگر وجود داشته است.

دریافت آگاهی در حلقه و ریگی

هم در ریگی و هم در حلقه، به این نکته اذعان می‌شود که اتصال به شبکه شعور کیهانی، یک مجموعه آثار از جمله کسب آگاهی و دریافت الهامی را به همراه دارد! در این باره در ریگی بیان می‌کند:

وقتی بر «ریگی» تمرکز می‌کنید، ذهنتان شروع به آگاه شدن از آگاهی «ریگی» می‌کند و ممکن است آن را به شکل احساس‌هایی نظیر آسودگی، لذت، عشق، احساس خوب داشتن، امنیت، تزکیه نفس، آزادی، خلایقیت، زیبایی، تعادل، هماهنگی یا سایر حالت‌های مثبت تجربه کنید (گوپتا، ۱۳۸۲، ص ۹۱).

حلقه نیز اساس کار خود را بر اتصال با شعور کیهانی می‌داند و از حلقه‌های رحمانیت عام، به شبکه شعور کیهانی، هوشمندی الهی و حلقه‌های وحدت نیز تعبیر می‌کند. درحقیقت، شبکه شعور کیهانی، همان هوش و خرد حاکم بر جهان هستی است؛ چراکه جهان هستی، متشکل از انرژی و آگاهی معرفی می‌شود که این آگاهی و شعور کیهانی، جهان را به حرکت درمی‌آورد و هر کس با آن پسوند رابطه

برقرار کند، به درجه بالای آگاهی و رشد می‌رسد. از سوی دیگر، گفته می‌شود، آگاهی میل درونی است که هر ذره را به رقص و حرکت درمی‌آورد! به عبارت دیگر:

شبکه شعور کیهانی مجموعه هوش، خرد و یا شعور حاکم بر جهان هستی است که به آن آگاهی نیز گفته می‌شود و یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی است. سه عنصر فوق عبارت است از: ماده، انرژی و آگاهی (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۶۷).

پس محرک جهان، آگاهی درون ذره است، نه نیروی ماورایی مطلق که منشأ تمام حرکت‌های جنبندگان از قدرت اوست. اینجاست که خداپرستی در نگاه آنان، رنگ و بویی کفرآمیز می‌یابد و توحید، جای خود را به مادی‌گرایی می‌سپارد. به عبارت دیگر، فاعلیت تام الهی در حرکت موجودات کنار زده می‌شود و فاعلیت استقلال‌ی عالم ماده رخ می‌نمایاند.

درواقع، در متون عرفان حلقه ادعا می‌شود که هستی متشکل از سه عنصر است که یکی از آن سه، آگاهی است:

شبکه شعور کیهانی مجموع هوش، خرد و یا شعور حاکم بر جهانی هستی است که به آن آگاهی نیز گفته می‌شود و یکی از سه عنصر موجود در هستی است. سه عنصر مذکور عبارتند از: ماده، انرژی و آگاهی (همان، ص ۶۷).

اصولاً هم در ریگی و هم در حلقه، هیچ کاری حتی درمان پیش از کسب آگاهی صورت نمی‌گیرد. در ابتدا با کسب آگاهی یک نوع شعور سلولی رخ داده، سپس این امر به سایر مباحث سرایت پیدا می‌کند. در ریگی بیان می‌دارد:

در ریگی (درمان‌گر) با مختصری از نیروی معنوی ریگی آماده می‌شود. در دوره پیشرفته، روش‌های بهره‌برداری از انرژی به مجرا نشان داده می‌شود که تمرین معنوی و شفابخشی فرد را افزایش می‌دهد. این قسمت عبارت است از: سطح خویش‌شناسی آگاهی از انرژی موجود در ما و انرژی طبیعت (پالان، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

و در ریگی، این آگاهی سبب رشد مرحله‌ای می‌شود و به تدریج، شخص به این کسب آگاهی اطمینان و اعتماد پیدا می‌کند:

رفته‌رفته، ملاحظه خواهید کرد که در شما اعتمادی درونی به این انرژی شکل می‌گیرد، اعتماد به خرد و قدرتی که بر تمامی زندگی‌تان چیره می‌شود. رشد مرحله‌ای حاصل می‌شود که شما را به بصیرت و دانش و حس آگاهی از وحدت با تمامی خلقت و به عشق می‌رساند (باگینسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

درواقع، ریگی بیان می‌دارد که ما در آستانه عصر نوینی هستیم که با کیفیت تازه‌ای از آگاهی بشر را عرضه می‌کند و یا آنکه ساختارهای کهن و ماندنی‌تر را ریشه‌کن می‌سازد. هر آنچه روی

دهد، در ید قدرت ماست و مشاهده چگونگی گسترش علاقه به حقیقت، برای ما دلگرم‌کننده است (همان، ص ۳۹).

ما با رابرت یونگ هم عقیده‌ایم، هنگامی که می‌گوید: بشریت هنوز به سرانجام نرسیده است و با خطرهای مرگباری در نبرد است، به او نهیب می‌زنند، تا خود را فاش سازد و گسترش بخشد. تنها چیزی که می‌تواند در درون ما آشکار شود، قابلیت‌هایی است که همیشه آنجاست، گشوده و در انتظار گسترش، هنر شفابخش ریگی، یکی از این قابلیت‌های شگفت‌انگیز است (همان).

حلقه نیز ادعا می‌کند که رسالت دریافت آگاهی برای بشر، به عهده اوست و به همین دلیل، همه قادر به اتصال به شبکه کیهانی هستند. این حلقه، دریافت آگاهی (وحی) توسط همگان را ممکن و آن را از دایره اختصاصی پیامبران خارج می‌کند و می‌گوید:

موارد زیر، هیچ گونه تأثیری در استفاده از هوشمندی الهی و دریافت آگاهی‌های آن ندارد:

– جنسیت، سن، ملیت، استعداد، سواد، معلومات، تفکرات، اعتقادات، تجارب عرفانی و...

– ریاضت، ورزش، نوع تغذیه و...

– سعی، کوشش، تلاش، اراده، تقلا و...

– تخیل و تصور و تجسم، ذکر و ماترا، نماد و سمبل، تلقین و تکرار، تمرکز و...

– نوع تیپ ساختاری فرد مانند تیپ دموی، صفراوی، سوداوی، بلغمی و یا تیپ‌های کافا، اتا، و پیتا و...

(طاهری، ۱۳۸۸، ص ۸۴).

فیض و رحمت الهی، در انحصار هیچ گروه خاصی نیست. افراد و گروه‌ها فقط می‌توانند معرف باشند تا اشخاصی که خود را از پرتو این نور نجات‌بخش، محروم کرده‌اند، در معرض آن قرار بگیرند. به عبارت دیگر، تنها می‌توانند نحوه در معرض قرار گرفتن را به آنها انتقال دهند و از آنچه که روزی آسمانی دارند، مانند روزی زمینی خود، به دیگران انفاق کنند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ... مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (انعام: ۱۲۱)؛ یعنی براساس اتصال خود، برای آنها نیز ایجاد اتصال کنند. در این مورد، همه ادیان و مذاهب، اتفاق نظر دارند و همه پیام‌ها و نویدهای الهی، با رحمانیت شروع شده و خاتمه می‌یابد و از هر دری که وارد شویم، با رحمانیت او روبه‌رو هستیم (همان، ص ۱۷ و ۱۸).

و با این تعبیر مشخص است که اصولاً طاهری آگاهی را مرادف وحی در ادیان توحیدی می‌داند. همان‌طور که ریگی نیز از آن تعبیر به کیفیت آگاهی تازه می‌کند (باگینسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۳۹).

و این خود فریب طاهری را نشان می‌دهد؛ زیرا این آگاهی در مباحث شیطان‌ی نیز وجود دارد. شیاطین نیز براساس قرآن کریم می‌توانند الهاماتی را به افراد داشته باشند: «وَاللَّشَّاطِطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَانِهِمْ» (انعام: ۱۲۱). پس بر فرض اینکه در ریگی و حلقه، الهاماتی صورت بگیرد، دلیل بر الهی‌بودن آن نیست و غیراسلامی بودن آن در مباحث پیش‌رو بیشتر آشکار خواهد شد.

شفادهی در حلقه و ریگی

چاکراها در ریگی چنین توصیف می‌شوند:

فضای اول: اعضاء (مثل کبد)، سلسله اعصاب (مثل عصب سه قلوئی مغز).

فضای دوم: مریدین‌ها (مثل مریدین کلیه).

فضای سوم: چاکراهای فرعی (مثل مراکز کف دست‌ها) و چاکراهای اصلی (مثل شبکه خورشیدی).

فضای چهارم: سطح کارمای فردی (مجموعه گناه‌ها و اشتباهات فرد، که در نتیجه تجسمات قبلی رشد کرده است).

فضای پنجم: سطح کارمای گروهی (مجموعه خطاهایی که به‌نوعی به گروه و اجتماع مربوط می‌باشد) (لویک، ۱۳۸۴، ص ۷۹).

درواقع، منظور بسترها و کانال‌های تمرکز انرژی در بدن است که این‌گونه بیان می‌شود. در مورد چاکرای فردی و گروهی نیز فرض در ریگی بر این است که مجموعه فرایندهایی که یک شخص در مورد خود یا جمع انجام می‌دهد، سطحی از انرژی را ایجاد می‌کند که برآیند و عکس‌العمل آن عمل انجام شده است. این سطح انرژی چنانچه در بدن افراد بماند، آسیب‌زاست و از منظر ریگی، باید به نوعی تخلیه شود تا بدن به یک سطح تعادل انرژی برسد. در این باره والتر لویک در آموزش کامل ریگی چنین توضیح می‌دهد:

انسدادهای سطوح کارمیک، فقط در صورتی که درمان سراسر بدن به‌صورت متوالی و طولانی مدت و به‌همراه درمان‌های جانبی صورت گیرد، قابل درمان خواهند بود. ریگی انسدادهای تمام سطوح را درمان می‌کند، ولی در مورد فضاهای چهارم و پنجم، باید انرژی‌هایی که در آن منطقه گیر افتاده‌اند، فعال شده و بیمار به‌شکلی آنها را تجربه کند (همان).

این کلمات، تأکیدی بر روش درمانی ویژه! در ریگی است. همچنین توضیح می‌دهد:

بعد از همسویی با «ریگی»، کافی است «ریگی» را بخواهید تا جریان یابد. فقط آن را بخواهید، یا نیت کنید تا جریان یابد. حتی فقط با گفتن کلمه «ریگی» در شروع یک جلسه درمان، به‌راحتی جریان برقرار می‌شود.

«ریگی» همیشه حاضر است تا جریان یابد و هر وقت شما بخواهید جاری می‌شود. به سادگی دست‌هایتان را با نیت درمان روی شخص بگذارید، «ریگی» شروع به جریان می‌کند (وینسر، ۱۳۸۶، ص ۹۱).

این عبارات مبهم است! مگر ریگی یک شخص است که با خواستش و بیان عنوانش و گفتن کلمه «ریگی» فراخوان شود و در بدن شخص درمان‌پذیر جریان یابد؟! اگر ریگی مجموعه قوانین طبیعی است، چرا همانند سایر قوانین فیزیکی به‌صورت ذاتی تأثیرگذاری ندارد و تنها زمانی که ما بخواهیم

جریان می‌یابد؟! مگر حوزه‌های انرژی الکترومغناطیسی یا اشعه‌های آلفا و گاما، که همه افراد تحت تأثیر آنها هستند، با مقاومت اشخاص اثر خود را از دست داده و یا با اراده آنها اثرپذیری‌شان مضاعف می‌شود؟! ریگی به این سؤالات پاسخی نمی‌دهد و علی‌رغم ادعا هم در ریگی و هم در حلقه، که اینها قوانینی طبیعی هستند، می‌بینم که از رویه قوانین طبیعی پیروی نمی‌کنند.

در این باره به‌طور مشخص آمده است:

وقتی که یک مجرای ریگی [فردی که از طریق انرژی ریگی درمان می‌کند به‌دلیل جریان یافتن انرژی ریگی از طریق وی، او را مجرا یا کانال می‌نامند] عمل شفابخشی انجام می‌دهد. چاکراها را متعادل و متوازن می‌کند و موانع را برمی‌دارد، به‌طوری‌که عمل درمان (شفابخشی) تسریع می‌شود، چون چاکراها و نادی‌ها مجدداً انرژی‌دهی شده‌اند. ریگی ابتدا کالبد آئورایی (هاله‌ای)، سپس کالبد‌های عاطفی و جسمی را درمان می‌کند. ریگی فقط به‌منظور درمان بیماری‌های جسمی و عاطفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌بینم که ریگی چیزی فراتر از درمان بیماری‌های جسمی و عاطفی است (پالان، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵ و ۱۶۶).

حلقه نیز مانند ریگی ادعای شفادهی بیماران جسمی و روحی را دارد. ظاهری بیان می‌کند: بیمار توسط فرادمانگر به شبکه شعور کیهانی متصل شده و مورد کاوش (اسکن) قرار می‌گیرد... در این مکتب درمانی، برای درمان همه انواع بیماری‌ها می‌تواند مؤثر باشد و درمانگر اجازه ندارد که نوعی از بیماری‌ها را غیرقابل علاج بدانند... لذا برای شعور و هوشمندی کیهانی، هر نوع اصلاح و رفع هر اختلالی در بدن به آسانی امکان‌پذیر است (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۶۷).

ظاهری در کتاب عرفان حلقه پیرامون فرادمانی بیان می‌دارد که کار درمان بیمار صرفاً بر عهده شبکه شعور کیهانی است! «برای انجام کار درمانگری، نظر به اینکه کار درمان صرفاً توسط شعور الهی انجام می‌شود، تعداد نفرات، چه به‌عنوان درمانگر و چه بیمار، تعیین‌کننده نیستند (طاهری، ۱۳۸۸ الف، ص ۹۴).

و در جای دیگر، اهداف فرادمانی را چنین تشریح می‌کند:

درمانگری، به‌عنوان یک روش تجربی برای درک عرفانی موضوع کمال، در راه رسیدن به اهداف زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد: شناسایی و آشنایی عملی با هوشمندی حاکم بر جهان هستی (شعور الهی) رهایی از گرفتاری در خویشتن - خدمت به خلق و انجام عبادت عملی شناختن گنج درون و توانایی‌های ماورایی - انسان‌شناسی (به‌عنوان بخشی از خودشناسی) حرکت در جهت نزدیکی به دیگران و فراهم نمودن امکان وحدت (همان، ص ۱۱).

همچنین ظاهری نیز فرادمانگر را به نوعی مانند آنچه در ریگی گفته می‌شود، کانال و مجرا معرفی می‌کند و ضمن تأکید چندباره فرادمانگر را فقط وسیله ایجاد اتصال می‌داند و اصل درمان را فقط و فقط به شبکه شعور کیهانی منتسب می‌کند:

درمان توسط درمانگر انجام نشده، بلکه از طریق اتصال به شبکه شعور کیهانی صورت می‌گیرد. درمانگر

تنها نقش یک رابط را بازی می‌کند. تا حلقه‌ای به نام «حلقه وحدت» که حلقه‌ای بسیار هوشمند است، تشکیل و فیض رحمت‌عام الهی در آن جاری شود و درمان صورت گیرد (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۶۷)... اصل: زمانی که فرادمانگر برای فردی ایجاد اتصال کند، خود نیز در معرض اتصال و اسکن قرار خواهد گرفت (همان، ص ۱۱۱).

اینکه هم در حلقه و هم در ریگی، اتصال به شبکه کیهانی علت شفاذهی بیان شده، این است که همان هوشمندی الهی، اتفاقاتی را که پس از اتصال برای درمان‌پذیران می‌افتد، نمی‌توان شفای الهی دانست؛ زیرا این دست درمان‌ها ماندگار نبوده و در بسیاری از موارد یا بیماری‌ها بازمی‌گردند و یا تبدیل به بیماری‌های دیگر می‌شوند. انجام برخی فرایندها بر روی بیماران، که زودگذر نیز هستند، دلیل بر الهی بودن آن نیست. در مکاتب غیرالهی نیز این‌گونه درمان‌ها اعمال انجام می‌گیرد.

تفویض

«تفویض» به این معنا که یک مجموعه اختیارات و قدرت‌ها توسط استاد و به‌عبارتی، مرکزیت فرقه به افراد ارائه می‌شود و شخص دیگری نمی‌تواند افراد زیرمجموعه را جز او از این موهبت بهره‌مند سازد! درواقع، اینجا استاد در نقش واسطه اقدام می‌کند! بحث تفویض هم در ریگی و هم حلقه وجود دارد. در ریگی، استاد پس از طی مراحل توسط مربی به او این اجازه را واگذار می‌کند: «پس از تشخیص اینکه تا سطح خاصی پیشرفت کرده است، آن‌گاه استاد اجازه ورود می‌داد» (پالان، ۱۳۸۴، ص ۳۶). و طاهری می‌گوید:

اتصال به دو دسته کاربران و مربیان ارائه می‌شود که تفویضی بوده، در قبال مکتوب نمودن سوگندنامه‌های مربوط به آنان تفویض می‌گردد. تفویض‌ها، توسط مرکزیت که کنترل و هدایت‌کننده جریان عرفان کیهانی (حلقه) می‌باشد، انجام می‌گیرد [شرط ورود همه به این حلقه تسلیم است] (طاهری، ۱۳۸۸ الف، ص ۸۰).

همچنین می‌نویسد:

درمانگری با مکتوب نمودن سوگندنامه، مبنی بر استفاده مثبت و انسانی به فرد تفویض می‌شود و با دریافت لایه محافظ، که درمانگر را در مقابل تشعشعات شعور معیوب سلولی و سایر تشعشعات منفی و تداخل موجودات غیر ارگائیک محافظت می‌نماید، آغاز می‌گردد (همان، ص ۱۱۰).

طاهری در بعضی از اظهارات خود، به این مطلب تصریح کرده و بیان می‌کند که مربیان نمی‌توانند ادعایی کنند و این مرکزیت و وابستگی به آن، از مهم‌ترین عوامل درمان محسوب می‌شود. این درحالی‌که طاهری هرگونه واسطه بین انسان و خدا را شرک می‌داند (ezharezohor.blogfa.com)، اما خود

را واسطه بین افراد و شبکه شعور کیهانی قرار می‌دهد و این کذب ادعای او را مبنی بر اسلامی بودن عرفانش نمایان می‌سازد. اصولاً سؤالی که طاهری تاکنون به آن پاسخ نداده، این است که چرا فقط شخص وی این قدرت را تفویض می‌کند؟ آیا او یک واسطه همانند سایر واسطه‌ها در احضار یا تسخیر موجودات دیگر نیست؟!

درمان توسط شخص آموزش دیده و خاص

ریگی کار درمانی خود را توسط استاد به مربیان منتقل می‌کند:

از زمان باستان، مرحله ورود به دوره ریگی به‌صورت سرّی نگهداری می‌شد. علت اصلی این امر احتمالاً سوءاستفاده از انرژی بود. همان‌طور که گفتیم هر ماترا دارای اثر خاصی بر روی بدن، روح و فضا است. اگر این سمبل‌ها توسط افراد غیر محتاط دریافت شوند، از انرژی سوءاستفاده خواهد شد. پس فرزنانگان بزرگ، در گذشته جهت مرحله ورود افراد به انرژی روشی را خلق کرده بودند... به همین ترتیب، پس از ورود به ریگی I مجرا باید چرخه ۲۱ روز را تکمیل می‌کرد، قبل از آنکه استاد او را برای آغاز مرحله ریگی II احضار کند. قبل از آنکه مجرا از مرحله یک به دو برود، مجرا اسکن می‌شد... و پس از تشخیص اینکه تا سطح خاصی پیشرفت کرده است، آن‌گاه استاد اجازه ورود می‌داد (پالان، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

همان‌طور که در ریگی، مربی اصلی با ملاحظاتی روش‌های درمانی را به نومربیان منتقل می‌کند، در حلقه نیز این کار صورت می‌گیرد: «در فرادمانی از نقطه‌نظر نحوه ارتباط با بیمار، راه‌هایی وجود دارد... آموزش فرادمانی باید توسط مربیان انجام شود...» (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۹۳).

همچنین طاهری توضیح می‌دهد:

اتصال فرادمانگری در یک جلسه به شخص تفویض می‌شود. این اقدام که تفویض توانایی فرادمانگری و «لایه محافظ» آن به فرد است، پس از نگارش یک «سوگندنامه» مبنی بر استفاده صحیح و انسانی از این اتصال صورت می‌گیرد و بلافاصله بعد از آن، می‌توان فرادمانگری راه دور و نزدیک و با تمام جزئیات تجربه کرد (طاهری، ۲۰۱۱، ج ۱، ص ۱۴۶).

رهایی از اعتقاد به هر مذهبی

نکته مهمی که هم در حلقه و هم در ریگی دیده می‌شود، این است که برای دریافت این نیروی شفافبخش الهی، نیازی به اعتقادات خاص یا ایمان به ادیان الهی نیست و گفته می‌شود: برای دریافت آگاهی فرقی ندارد فرد مشرک باشد یا کافر و گناهکار. این دریافت برای همه یکسان است.

این مطلب در ریگی این‌گونه بیان می‌شود:

برای درمان این طریق، هیچ‌گونه ایمان، یا اعتقاد خاصی ضروری نیست. افرادی با مذاهب و ایمان‌های گوناگون، آزاداندیشان و پیروان فلسفه‌ها و جهان‌بینی‌های کاملاً متفاوت، یکی را با موفقیت یکسانی به کار می‌گیرند. این حقیقت که یکی بسیاری از مردم را به درک بهتری از مسائل مذهبی نائل می‌کند و آنها به تجارب معنوی عمیق‌تری دست می‌یابند، حاکی از جهانی بودن یکی است (باگینسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۲۹).

در عرفان حلقه نیز این مطلب تصریح می‌شود:

عرفان کیهانی (حلقه) نوعی سیر و سلوک عرفانی است که مباحث عرفانی را مورد بررسی نظری و عملی قرار می‌دهد. از آنجا که انسان شمول است، همه انسان‌ها صرف‌نظر از نژاد، ملیت، دین، مذهب و عقاید شخصی، می‌توانند جنبه نظری آن را پذیرفته و جنبه عملی آن را مورد تجربه و استفاده قرار دهند (طاهری، ۱۳۸۸ الف، ص ۵۵).

درواقع، طاهری راه نجات انسان‌ها را در اتصال به این حلقه دانسته و هیچ عاملی را در ایجاد اتصال شرط نمی‌داند. در عرفان کیهانی (حلقه) عوامل انسانی، خصوصیات فردی، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، امکانات و توان‌های فردی و... نقشی در ایجاد اتصال و دریافت‌های ماورایی ندارند.

- سن، استعداد، سواد، معلومات، نوع تفکرات و اعتقادات و...؛

- ریاضت، ورزش، نوع تغذیه و...؛

- سعی، کوشش، تلاش، اراده، تقلا و...؛

- تخیل و تصور و تجسم و ذکر و مانترا، نماد و سمبل، تلقین و تکرار، تمرکز و...؛

- علم اعداد، موقعیت ستارگان، ماه تولد و...؛

اصل: هر انسانی صرف‌نظر از نژاد، ملت، دین و مذهب، تحول‌خواه و کمال‌پذیر بوده، می‌تواند در صراط مستقیم قرار بگیرد (همان، ص ۱۰۲).

با دقت در مطالب طاهری، باطل بودن آن مشخص می‌شود؛ چراکه طریق مشترک برای کافر و مؤمن، آن هم بدون مقدمه و خودسازی در مسیر کمال، اجتماع نقیضین است، وی از یک‌سو عرفان خود را همان صراط مستقیم می‌داند. از سوی دیگر، هیچ ملاک ایمانی یا عمل صالح برای این اتصال قائل نیست. درحالی‌که این تمایز بین مؤمنان و کفار در قرآن وجود دارد و در مقابل صراط مستقیم، صراط جحیم نیز آمده است. در اینجا لازم است مقایسه‌ای بین صراط مستقیم طاهری، که همان اتصال به شبکه شعور کیهانی است، با تفسیری که در قرآن کریم از صراط مستقیم ارائه می‌کند، بیان کنیم. آن‌گونه که از بررسی آیات قرآن مجید برمی‌آید «صراط مستقیم»، همان آیین خداپرستی و دین حق و پایبند بودن به دستورات خداست. چنان‌که قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا

قِيمًا مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۱۶۱)؛ بگو خداوند مرا به صراط مستقیم هدایت کرده، به دین استوار، آیین ابراهیم که هرگز به خدا شرک نورزید. همچنین می‌فرماید: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَاطِبُ رَاطِطٌ تَقِيمٌ» (یس: ۶۰-۶۱)؛ ای فرزندان آدم مگر با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید و مرا پرستش کنید. این همان صراط مستقیم است. در اینجا به جنبه‌های عملی آیین حق اشاره شده که نفی هرگونه کار شیطانی و عمل انحرافی است. به گفته قرآن، راه رسیدن به صراط مستقیم پیوند و ارتباط با خدا است «وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل‌عمران: ۱۰۱).

راه مستقیم همیشه یک راه بیش نیست؛ زیرا میان دو نقطه، تنها یک خط مستقیم وجود دارد که نزدیک‌ترین راه را تشکیل می‌دهد. بنابراین، اگر قرآن می‌گوید: صراط مستقیم، همان دین و آیین الهی در جنبه‌های عقیدتی و عملی است، این فرض باطل است که صراط دیگری وجود داشته باشد که از دید طاهری جنبه رحمانیت عام الهی و اتصال به شبکه به اصطلاح شعور کیهانی است و فارغ از اعتقاد و انجام عمل صالح باشد. به همین دلیل، دین واقعی یک دین بیشتر نیست ان‌الله‌الذین‌عند‌الله‌الاسلام» (آل‌عمران: ۱۹)؛ دین در نزد خدا اسلام است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۵۰).

همچنین روایاتی که در منابع اسلامی در این زمینه وارد شده و هریک به زاویه‌ای از این مسئله اشاره کرده، همه به یک اصل بازمی‌گردد. از جمله، از پیامبر ﷺ چنین نقل شده است الهی رَاطِطٌ مُسْتَقِيمٌ صراط الانبیاء و هم الذین انعم الله علیهم» (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۰)؛ صراط مستقیم راه پیامبران است و همان‌ها هستند که مشمول نعمت‌های الهی شده‌اند.

از امام صادق ﷺ می‌خوانیم که در تفسیر آیه «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمود: «الطریق و معرفة الامام» (همان)؛ منظور راه و شناخت امام است. در حدیث دیگری از همان امام نقل شده: «و الله نحن الصراط المستقیم» (همان، ص ۲۱)؛ به خدا سوگند ما ایم صراط مستقیم. در حدیث دیگری باز از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود: «صراط مستقیم» (همان)؛ امیر مؤمنان علی ﷺ است.

درحالی‌که طاهری اصولاً توسل و تمسک به امامان معصوم ﷺ را نوعی شرک به خدا می‌داند (ezharezohoor.blogfa.com) و قطعاً صراط مستقیم او از مسیر اهل بیت ﷺ عبور نمی‌کند. تمام این معانی، بازگشت به همان دین و آیین الهی در جنبه‌های اعتقادی و عملی است. دین، هم دارای اعتقاد است و هم انجام عمل صالح. درحالی‌که طاهری، اتصال به شبکه شعور کیهانی، یا همان صراط مستقیم خود را فارغ از هرگونه اعتقادی و عمل صالحی می‌پندارد:

در عرفان کیهانی عوامل انسانی، خصوصیات فردی... نقشی در ایجاد اتصال و دریافت‌های ماورایی ندارد (مثل سن، استعداد، ریاضت، سعی و کوشش و...) هر انسانی صرف‌نظر از نژاد، ملیت، دین و مذهب تحول‌خواه و کمال‌پذیر بوده، می‌تواند در صراط مستقیم قرار بگیرد (طاهری، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۰۲).

اجازه قبل از اتصال

هم در ریگی و هم در حلقه مستر (مربی)، برای انجام درمان باید از درمان‌پذیر اجازه بگیرد و در صورت عدم این کار، ضرر آن به درمانگر برمی‌گردد. در ریگی آمده است: «کسی را به دریافت ریگی مجبور نکنید و بدون اجازه به کسی ریگی ندهید» (وینسر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱).

و نیز در حلقه گفته شده است:

تشعشع دفاعی راه دور مثل فرادرمانی است، فقط یک اسم و اعلام تشعشع دفاعی، همین و تمام، حالا از هر فاصله‌ای از هر جایی باشد، فقط یادتان باشد که حتماً اجازه بگیرید، روی کاغذ بنویسید. بالاخره در معرض تشعشع دفاعی قرار می‌گیرد. بنابراین، فراموش نکنید بعد از اینکه مطمئن شدید اجازه گرفتید، اسمش را اگر بشنوید، هم تمام است (طاهری، ۲۰۱۱، ص ۱۲).

این تشابه در اجازه بی‌علت نیست و از مطالبی مبهم در پس پرده حکایت می‌کند. مسائلی که موجب می‌شود طاهری به مربی‌های خود اجازه درمان بدون لایه محافظ را ندهد.

لایه محافظ!

طاهری در این باره می‌گوید:

مربی به کسی اطلاع می‌دهد که انتقال‌دهنده چارچوب عرفان حلقه به هنرجو بوده و مجاز به تفویض اتصال و لایه محافظ حلقه‌های شبکه شعور کیهانی مربوط به دوره موردنظر می‌باشد و عضو و محرم و قسم خورده نسبت به امانت‌داری مجموعه و الگویی برای آن به حساب آمده و اساسنامه عرفان حلقه را کاملاً قبول داشته باشد.

قرار گرفتن در حلقه به منزله فرادرمانگری و کسب لایه محافظ، با مکتوب نمودن سوگندنامه توسط درمانگر در سه برگ (یک برگ بایگانی - یک برگ مربی - یک برگ فرادرمانگر) و با امضاء مربی انجام خواهد گرفت (آیین‌نامه فرادرمانی، ص ۱).

بنابراین، همان‌طور که از آثار به‌جامانده از اتصال و فرادرمانی و تشعشع دفاعی در مسترها هویدا است، نگرفتن اجازه و نداشتن لایه محافظ برای آنان آسیب‌هایی به دنبال دارد.

در ریگی نیز داشتن پوشش حفاظتی موردنیاز است:

پوشش حفاظتی را می‌توانید برای منظوره‌های زیر به‌کار ببرید:

حفاظت خود، خانواده، اموال، یا هر چیزی که می‌خواهید از نوسان‌های منفی محفوظ باشد؛ پاک‌سازی بدن اثیری و چاکرها؛ قرار گرفتن در پوشش حفاظتی به هنگام مراقبه؛ کنترل واکنش‌های خاص در موقعیت‌های نامطلوب؛ هنگام درمان بیماران (گوپتا، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸).

تأکید به داشتن لایه‌های محافظتی در ریگی و حلقه، بیانگر وجود خطر برای فرد درمانگیر و درمانگر است.

این هم‌سویی در حلقه و ریگی، در گرفتن لایه محافظ بسیار شبیه به ایجاد حفاظ در برخی جن‌گیری‌های مرسوم از گذشته است که اشخاص قبل از انجام این عمل، لایه حفاظتی حتی به صورت کشیدن خطی مدور دور خود انجام می‌دادند! تا از آسیب آن موجودات در امان باشند. طاهری در مباحث خود پیرامون لایه حفاظتی به حفاظت در مقابل موجودات غیرارگانیک یا همان اجنه، اشاره می‌کند:

درمانگری با مکتوب نمودن سوگندنامه، مبنی بر استفاده مثبت و انسانی به فرد تفویض می‌شود و با دریافت لایه محافظ که درمانگر را در مقابل تشعشعات شعور معیوب سلولی و سایر تشعشعات منفی و تداخل موجودات غیرارگانیک محافظت می‌نماید، آغاز می‌گردد (طاهری، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۱۰).

این اذعان طاهری به ضربات این موجودات، ذهن را به این مطلب رهنمون می‌شود که حقیقت بحث اتصال و لایه محافظ آن با روند کلی کهانت در بین ملل در طول تاریخ قابل انطباق است.

فرقه کیهانی در اولین دوره درسی خود یعنی فرادرمانی، اقدام به اعطای مدرک پایان‌نامه و لایه محافظ می‌کند. به فردی که این مدرک را دریافت می‌کند، چنین القا می‌شود:

لایه محافظ لایه‌ای از جنس آگاهی است که در فرادرمانی با مکتوب نمودن سوگندنامه به فرادرمانگر تفویض می‌شود. این لایه، تحت هوشمندی شبکه شعور کیهانی ضمن محافظت فرادرمانگر، بیمار را نیز چه در فرادرمانی از راه دور و چه از راه نزدیک در حفاظ مطمئن قرار داده تا از «تداخل شعور معیوب سلولی» و «تشعشعات منفی» و به‌خصوص در مقابل نفوذ «موجودات غیرارگانیک» محافظت کند (همان، ص ۹۶).

این همه تأکید بر جلوگیری از نفوذ موجودات غیرارگانیک به ذهن، این معنا را القا می‌کند که اصولاً اتصال نوعی درون‌ریزی این نیروها! در وجود آدمی است.

نکته عجیب اینکه در ریگی نیز بیان می‌دارد از زمان باستان، مرحله ورود به دوره ریگی به صورت سری نگهداری می‌شد. علت اصلی این امر احتمالاً سوءاستفاده از انرژی بود (پالان، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

همان‌طور که گفتیم هر مانترا (ذکر) دارای اثر خاصی بر روی بدن، روح و فضا است. اگر این سمبل‌ها توسط افراد غیرمحتاط دریافت شوند از انرژی سوءاستفاده خواهد شد. پس فرزندان بزرگ، در گذشته جهت مرحله ورود افراد به انرژی روشی را خلق کرده بودند. در این مرحله وی از مانترا

استفاده می‌کرد. به همین ترتیب پس از ورود به ریگی I مجرا باید چرخه ۲۱ روز را تکمیل می‌کرد، قبل از آنکه استاد او را برای آغاز مرحله ریگی II احضار کند. قبل از آنکه مجرا از مرحله یک به دو برود، مجرا اسکن می‌شد. (بعداً توضیح داده خواهد شد) و پس از تشخیص اینکه تا سطح خاصی پیشرفت کرده است آن‌گاه استاد اجازه ورود می‌داد (همان).

برون‌ریزی در ریگی و حلقه

هم در ریگی و هم در حلقه، فرد مربی موظف است به نوعی تحرکات عصبی در فرد درمان‌پذیر ایجاد کند تا وی در اصطلاح مجبور به برون‌ریزی بیماری‌ها شود. طاهری برون‌ریزی را عاملی برای دستیابی به سلامت جسم و ذهن می‌داند و معنای برون‌ریزی را خروج موجودات غیرارگانیک از درون فرد می‌داند. او معتقد است: «برون‌ریزی، آشکار شدن سابقه بیماری‌ها (بیرون ریختن آنها) است. سابقه بیماری‌ها ممکن است حتی متعلق به دوران جنینی یا طفولیت، بیماری‌های کنونی آشکار یا نهان فرد و همچنین، ترس‌های نهفته، گره‌ها و تنش‌های روانی، نابسامانی‌های ذهنی و... باشد. طاهری از واژه «اسکن» نام می‌برد که به‌صورتی همه‌جانبه، بر جسم، روان و ذهن فرد انجام می‌شود و ادعا می‌کند در اسکن، گاه علائمی بروز می‌کند که آمادگی فرد برای ابتلا به بیماری‌هایی را نشان می‌دهد که در شرف آن است و در صورت بی‌توجهی، در آینده بروز خواهد کرد (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۶۶) و فرادمانگر با تشخیص به موقع آنها مانع بیماری فرد نیز می‌شود. در ریگی نیز این فشارات عصبی ناشی از اتصال به روح ریگی به‌طور واضح مشهود است. در آموزه‌های ریگی نیز این مباحث آمده است و حتی بیان می‌دارد که ممکن است این تجربه هیجانی برای افرادی که مرتب به برون‌ریزی مبادرت دارند، در شکل شخصیتی خیالی و موهوم ظاهر شود!:

اغلب دریافت‌کنندگان ریگی در حین درمان شروع به استراحت می‌کنند و حتی ممکن است به خواب روند. اما این مسئله تفاوتی در تأثیر درمان ایجاد نمی‌کند. در دیگر موقعیت‌ها، ممکن است از تجارب قدیمی و لاینحل خود آگاه شوند. ممکن است رهایی از هیجانات به شکل جاری شدن اشک و خنده‌هایی از سراسودگی صورت پذیرد. این جریان در شکل تجربه تصویری افراد نیز شناخته شده است. شاید برای کسانی که مرتباً مراقبه می‌کنند، در شکل شخصیتی خیالی ظاهر شود. ممکن است که در بعضی از جلسات درمان، مواعی که سد راه رشد جامع است از میان برداشته شوند.

گرچه، ما دست خود را برای اتصال بیمار به انرژی ریگی، بر بدن او می‌گذاریم و یا دستمان را بالای بدن او نگه می‌داریم، اما این انرژی تنها در سطح مادی بر او اثر نمی‌کند، بلکه بر کل جسم، ذهن و روح او تأثیر می‌گذارد (باگینسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۴۱).

طاهری نیز می‌گوید: با برون‌ریزی است که افراد به سلامت جسم و ذهن دست می‌یابند:

برون‌ریزی، رو آمدن سابقه بیماری‌ها و بیرون ریختن آنهاست. سابقه بیماری‌ها ممکن است حتی متعلق به دوران جنینی، طفولیت، بیماری‌های کنونی آشکار یا نهان فرد باشد. همچنین، ترس‌های نهفته، گره‌ها و تنش‌های روانی، نابسامانی‌های ذهنی و...

اسکن به صورتی همه‌جانبه روی جسم، روان و ذهن فرد انجام می‌شود. در اسکن، گاه علائمی بروز می‌کند که آمادگی‌های فرد را برای ابتلا به بیماری‌هایی نشان می‌دهد که احتمالاً در آینده بروز خواهند کرد (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

طاهری در ادامه همین مطالب می‌افزاید:

اسکن فرادمانی شامل آشکارسازی ترس‌های دوران کودکی نیز می‌شود که در ضمیر ناخودآگاه فرد ثبت و ضبط است. در این مورد، با دو دسته گزارش روبه‌رو خواهیم شد. دسته اول، افرادی هستند که در گذشته هیچ‌گونه سابقه و گزارشی از وجود ترس نداشته‌اند، پس از اسکن فرادمانی با ترس‌های مبهم و ناشناخته‌ای روبه‌رو می‌شوند که خود از چگونگی آن هیچ‌گونه اطلاعی ندارند. در خیلی از موارد این ترس و یا ترس‌ها، در ابتدا رو به افزایش می‌گذارد. پس از یک دوره بیرون‌ریزی، کاهش پیدا کرده و خاتمه پیدا می‌کند. این بیرون‌ریزی ممکن است در خواب و به‌صورت کابوس هم اتفاق بیافتد (همان، ص ۱۱۹).

تشابه در آثار و عملکرد، حاکی از همسویی در روش درمان است! در دوره‌های دفاعی و در بحث برون‌ریزی در حلقه، حملاتی به افراد دست می‌دهد که بعضاً با حرکات، تکان‌های شدید، حمله‌ها و خودزنی‌هایی همراه است و مستر (مربی) وظیفه دارد او را آرام و کنترل کند. در حین این عمل مجبور است که با او تماس فیزیکی داشته باشد. در واقع وقتی فرد در اتصال می‌نشیند، برون‌ریزی انجام می‌شود. به نظر می‌رسد، اتصال در عرفان کیهانی در واقع اتصال با موجودات غیرارگانیک است. در اتصال گفته می‌شود: شاهد و تسلیم باشید، تا بچشید و ببینید چه اتفاقی خواهد افتاد. فرد منتظر است ببیند چه اتفاقی می‌افتد. تسلیم است، بدون اینکه دروازه‌های ورودی خود را کنترل کند. بدون هیچ فیلتری در انتظار اتصال است. صحبت ما بر روی شواهد قبل و بعد از اتصال است. افراد، قبل از اتصال، «خودشان» هستند و بعد از اتصال به هم می‌ریزند و برون‌ریزی پیدا می‌کنند و احساس وجود غیرارگانیک را در وجود خود دارند. در ریگی نیز ممکن است رهایی از هیجانات به شکل جاری شدن اشک و خنده‌هایی از سراسودگی صورت پذیرد. این جریان در شکل تجربه تصویری افراد نیز شناخته شده است. اینکه در ریگی بیان می‌دارد: برای کسانی که مرتباً مراقبه می‌کنند، این هیجان در شکل شخصیتی خیالی و موهوم! ظاهر شود، این مطلب را تأیید می‌کند. همچنین در ریگی خود مربی هم از این اتصال تأثیر می‌پذیرد و گفته می‌شود:

ما فقط کانالی برای جریان ریگی هستیم. ما منشأ این انرژی نیستیم، بلکه خود را چون رابطی در اختیار آن قرار می‌دهیم. هیچ‌گونه قدرت یا استعداد خاصی لازم نیست و تلاش زیادی نیز صورت نمی‌گیرد و بیان می‌شود برعکس، هنگامی که جریان انرژی را به بدن یک بیمار هدایت می‌کنیم در آن موقع خود ما نیز سرشار از آن می‌شویم (باگینسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

بازگشت دوباره بیماری

یکی از مسائلی که هم در ریگی و هم در حلقه وجود دارد و حکایت از به‌کارگیری روشی مشابه دارد، این است که پس از فرادمانی یا درمان در ریگی، این بیماری بازگشته و گاهی مواقع عود نیز می‌کند. در این باره در کتاب **ریگی شیوه جامع انرژی درمانی** می‌خوانیم:

درمان با ریگی می‌تواند سبب بروز دوباره بیماری‌های پیشین گردد. نخستین بار، کنستانتین هرینگ پزشک برجسته هومیوپاتی این پدیده را مطرح کرد که به‌عنوان «قانون بهبود هرینگ» شناخته شده است. در دوران جدید، همین پدیده با جزئیات بیشتری توسط پزشک آلمانی، دکتر هر ه رک‌وگ توصیف شد. براساس یافته‌های علمی او، درمان ریگی می‌تواند زمینه بازگشت مراحل گوناگونی چون اشیاع سموم، تحلیل رفتن و بدخیمی را برای تبدیل به مراحل تخلیه، شادابی و سرزندگی فراهم کند. پدیده‌ای که حاصل درمان ریگی است، چنین عمل می‌کند: بیماری‌هایی که قبلاً بیمار از آن رنج می‌برده، دوباره در جهت معکوس و در حد مختصری تجربه می‌شوند (همان، ص ۴۵).

در عرفان حلقه نیز در بسیاری از موارد بیماری‌ها، پس از فرادمانی عود می‌کند، یا تبدیل به بیماری دیگری می‌شود. شاهد این بازگشت، خانمی بود که بیان می‌داشت با فرادمانی و تشعشع دفاعی برای مدتی در حدود ۶ ماه درمان شده بود، ولی پس از این مدت علائم بیماری دوباره مشهود بود (خانم ر، ۱۳۹۲). البته طاهری بر این نظر است که دلایل برگشت بیماری در حلقه، به عوامل اختیاری و غیراختیاری قابل تقسیم است. به این شکل که بازگشت اختیاری:

... زمانی رخ می‌دهد که بیمار به‌صورتی اختیاری مرتکب تخلفاتی می‌شود که در آن به نوعی نقش شعور کیهانی در درمان، از طرف بیمار نادیده گرفته شده و یا مورد کتمان قرار گرفته است. نمونه‌های بارز این تخلفات، شک و تردید، انکار و ناسپاسی، کتمان و نسبت دادن درمان به‌جایی غیر از شبکه شعور کیهانی است... (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸). [و غیر اختیاری] این نوع بازگشت را بیمارانی خواهند داشت که مشکلات روان و ذهن، عامل اولیه و اصلی بیماری آنها بوده و یا دچار مشکلات بینشی باشند. در این صورت، بدون اینکه خود در بازگشت بیماری نقشی داشته باشند، بنابر سازوکارهایی از سوی روان و ذهن، درمان آنها با مقاومت (دادگاه ویژه) روبه‌رو می‌شود که باعث بازگشت بیماری خواهد شد (همان، ص ۱۲۹).

طاهری در آموزه‌هایش به دادگاه ویژه اشاره می‌کند، که انرژی پتانسیل منفی را رسیدگی و درنهایت منجر به صدور حکم تحمل بیماری می‌کند. او بر این نظر است که: منظور از فرشته نگهبان همان من معنوی است الان ما وکیل مدافع داریم (همان مادر دوم) به حق یا ناحق از ما دفاع می‌کند، دادستان داریم، دادگاه ویژه، که انرژی پتانسیل منفی را رسیدگی و درنهایت منجر به صدور حکم تحمل بیماری می‌کند. همه اینها خودمان هستیم، هر کسی نکیر و منکر را در درون خودش به همراه دارد، در زمان‌های قدیم چون کشش ذهنی بالا نبوده، نکیر و منکر عنوان شده است! از طریق خودشناسی با من‌های مختلف درون خودمان که آشنا می‌شویم می‌بینیم که همه با ما هستند و درواقع همه خودمان هستیم (دوره پنج، ص ۸۲).

آقای علیرضا جاوید، متخصص طب سوزنی که چندین دوره از حلقه را گذرانده، ولی به دلایل عدم انطباق مسائل مطروحه با اسلام از آن جدا شده است، در این باره می‌گوید:

در فرادمانی سبک‌ها خیلی شبیه انرژی درمانی است. هرچند ادعا می‌کنند انرژی درمانی نیست و هر چقدر هم تأکید بر این مطلب داشته باشند این شباهت آشکار است. اسکن کردن، دست گذاشتن، از دور، تمرکز کردن، اینکه می‌گویند ساعت معین کنید، ولی سبک و نوع کارها مانند انرژی درمانی است. اگر هم این کار را نمی‌کردند، حالا یاد گرفته‌اند و انجام می‌دهند (جاوید، ۱۳۹۲).

اسکن کردن در حلقه و ریگی

اسکن کردن و چگونگی آن، بحث مهمی است که هم در حلقه و هم ریگی بر آن تأکید شده است، گفته می‌شود:

در ریگی مرحله دوم، افراد تکنیکی را می‌آموزند به نام اسکن هاله که با استفاده از این تکنیک جاهایی که انرژی مسدود شده را تشخیص می‌دهند و حتی با استفاده از سمبل پل، می‌توان هاله و چاکراهای هر کسی در هر جای جهان را اسکن کرد و به او علام کرد که چه بیماری‌هایی دارد و حتی می‌توان به او گفت که چه جاهایی در بدنش مساعد هستند برای بیمار شدن و این یعنی پیشگیری بدون استفاده از ابزار خارجی و گران‌قیمت ما تنها از توانایی‌های ذاتی خود استفاده می‌کنیم (Reikividya.org).

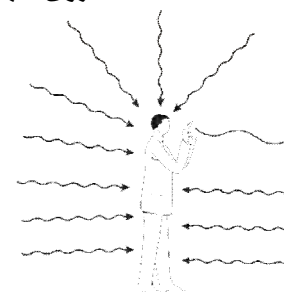
و در حلقه گفته می‌شود:

در این شاخه درمانی، بیمار توسط فرادمانگر به شبکه شعور کیهانی (شبکه آگاهی و هوشمندی حاکم بر جهان هستی - شعور الهی) متصل شده و مورد کاوش (اسکن) قرار می‌گیرد و ضمن ارائه اطلاعاتی از نحوه اتصال خود، از طریق دیدن رنگ‌ها، نورها، احساس حرکت و فعالیت نوعی انرژی در بدن و همچنین از طریق گرم شدن، درد گرفتن، تیر کشیدن، ضربان زدن، تشنج و غیره، اعضای معیوب و تنش دار بدن او مشخص شده و به اصطلاح اسکن و با حذف علایم، روند درمان آغاز می‌شود.

منظور از کاوش (اسکن)، زیر ذره بین قرار گرفتن وجود بیمار است. که در این صورت، سابقه بیماری گذشته و فعلی بیمار آشکار شده، با به جریان افتادن پرونده بیماری‌ها، بیرون‌ریزی آغاز می‌شود. این پرونده‌ها ممکن است مربوط به جسم، روان، ذهن و سایر بخش‌های وجودی بیمار باشد که باید با صبر و حوصله اجازه داده شود تا بیرون‌ریزی‌ها خاتمه یابد و درمان اساسی رخ دهد (طاهری، ۱۳۸۸، ص ۶۵ و ۶۶).

با این تعریف، در واقع آثاری که در تحت عنوان بیرون‌ریزی ظاهر می‌شود، بازتاب‌هایی از انجام اسکن می‌باشد. در عرفان حلقه بحثی که برای اسکن مطرح می‌کنند، در نمودار زیر قابل بررسی است:

نیروی کیهانی



فردمانگر

اسکن با نیروی کیهانی



فردمانگیر

درواقع، اسکن کردن در حلقه همانند اسکن در ریگی است، اسکن راه دور و نزدیک در هر دو وجود دارد که شباهت‌های بارزی دارد.

تسلیم و شاهد بودن

هم در حلقه و هم در ریگی شخص درمان‌پذیر باید شاهد و تسلیم اتصال باشد و در این‌باره اجازه دهد. در ریگی می‌گویند: «کسی را به دریافت ریگی مجبور نکنید و بدون اجازه به کسی ریگی ندهید» (وینسر، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱).

درواقع، شخص باید با طیب و رضایت‌خاطر خود را برای اسکن کردن و اتصال آماده کند. طاهری نیز در این‌باره می‌گوید: «این اصل کلی ما فلسفه آمدن ادیان همه اینا دارن میان که این را معرفی کنند. بگن بی خود زور نزن بیا تسلیم شو» (جلسه هفتم کمیته عرفان).

او در یکی از اصول عرفان حلقه چنین می‌گوید:

تنها شرط حضور در حلقه وحدت، «شاهد» بودن است. شاهد، کسی است که نظاره‌گر و تماشاچی باشد و در حین نظاره هیچ‌گونه قضاوتی نداشته، هرگونه اتفاقی در حلقه مشاهده نمود، زیر نظر داشته و در حین مشاهده از تعبیر و تفسیر جدا باشد (تعبیر و تفسیر پس از مشاهده) (طاهری، ۱۳۸۸، الف، ص ۹۴).

طاهری در توجیه اینکه چرا در ابتدا باید تسلیم شد و بعد سایر مراحل را گذراند، دلیلی می‌آورد و می‌گوید: شما به‌عنوان یک ایرانی باید تسلیم قانون اساسی باشید. اول تسلیم قانون می‌شوند و بعد اجرا می‌کنند. یکی قانون اساسی است و یکی مجریه است، قوه مقننه و مجریه جدا نیستند؛ ولی اگر یکی از آنها نباشد دیگری بودنش فایده‌ای ندارد! (همان).

یادآوری این نکته لازم است که طاهری باید توجه داشته باشد که مردم پس از اندیشه و مشورت اولیه در مورد قانون اساسی، به آن رای می‌دهند و تنها در صورت تصویب اکثریت، همه تسلیم آن می‌شوند، ولی در فدرالمانی بدون اطلاع‌رسانی کامل از کیفیت و صدمات ناشی از آن، به شخص درمان‌پذیر گفته می‌شود، باید تسلیم شوی تا بفهمی و دریافت آگاهی داشته باشی یا باید تسلیم شوی تا هوشمندی روی شما کار کند و بیماری‌تان درمان شود.

طاهری در جای دیگر می‌گوید:

در همه انواع ارتباط با خدا، با رعایت شرط «شاهد بودن» و رهایی از تمرکز بر هر موضوعی، می‌توان بر گستره عشق و آگاهی آغوش گشود. اما حظ بیشتر زمانی حاصل می‌شود که انسان در ارتباط مربوط به گستردگی، همه وجود خود را در وسعت عظیمی (به عظمت جهان هستی) بیابد که در آن خبری از محدودیت‌های قومی، نژادی و... نیست و به تبع آن، اندیشه و تفکر او به تناسب این وسعت، از حد زمین تا گستره هستی ارتقا می‌یابد (طاهری، ۲۰۱۱، الف، ص ۱۷۶).

درواقع، طاهری شرط تسلیم و شاهد بودن را تعمیم داده و همه گستره هستی را شامل می‌شود و هر کس با هر اندیشه‌ای محق خواهد بود. از این شبکه به اصطلاح شعور بهره‌مند شود. جالب آنکه طاهری در بحث معاد، خود در مورد عوارض تسلیم شدن بی‌مورد، سخنانی بیان می‌دارد که در تناقض با سایر مباحث وی در بحث تسلیم است. او می‌گوید:

انتخاب‌های هر انسان (که نوع رابطه‌ای او با اجزای تک درخت هستی را نشان می‌دهد)، حرکت به سوی کمال یا ضد کمال را تعیین می‌کند. برای مثال، هر انتخاب ما در زندگی، تعیین می‌کند که در حضور عوامل آزمایش خود (شیاطین درونی و بیرونی) به نتیجه خیر یا شر برسیم؛ زیرا یا تسلیم آنها می‌شویم و از منزلت انسانی خود (کمال) فاصله می‌گیریم و یا خاک وجودمان را با آب آگاهی در هم می‌آمیزیم و در معرض آنها (که صفت آتش را دارند) به پختگی می‌رسیم.

بنابراین، در صورتی که در طول زندگی، در اثر مواجهه با این «عوامل آزمایش»، دچار سقوط شویم، همین عوامل (که می‌توانستند باعث پختگی ما شوند) موجب سوختن ما در جهنم خواهند شد (طاهری، ۲۰۱۱، الف، ص ۲۶۲).

طاهری در این عبارات، در تناقضی آشکار تسلیم شدن بی‌مورد را سبب فاصله گرفتن از منزلت انسانی و سقوط در جهنم می‌داند. این درحالی‌که در کلاس‌های حلقه، شرط درک را تجربه در حال شاهدهی و تسلیم می‌داند. در ریگی آمده است که چنانچه کانال ورودی افراد برای یک بار باز شود و شخص خود بپذیرد که تحت این تأثیرات قرار بگیرد، برای همیشه این راه باز خواهد ماند! یعنی «هنگامی که یک‌بار کانال درونی فردی به انرژی ریگی گشوده شد و این انرژی متمرکز حیاتی از طریق دست‌هایش، به شیوه خود جریان پیدا کرد، این فرد قادر خواهد بود، این قدرت را در تمام زندگیش حفظ کند» (باگینسکی و شارامون، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

به نظر می‌رسد، اصرار به تسلیم برای درک اتصال در حلقه نیز برای این است که این راه برای همیشه گشوده شود!

درمان در ریگی و حلقه سبب وحدت وجود!

هم در ریگی و هم در حلقه آمده است که این اتصال با شعور کیهانی، در واقع، رسیدن به نوعی وحدت با اوست که در پس آن عشق به هوشمندی کیهانی همه وجود شما را فرا خواهد گرفت! در ریگی می‌گوید:

غالباً بسیاری از افراد مستعد ریگی را چون عشق تجربه می‌کنند. عشق، قدرت وحدت‌بخشی است که ما را به مرحله عظیم‌تری از وحدت با همه خلقت رهنمون می‌شود. هدف حقیقی بشریت، ترجمان این مرحله به واقعیت و زندگی بخشیدن به آن است. عشق مأمن اصلی روح است، جایی که چون قطره‌ای با اقیانوس بی‌کران هستی متحد می‌شود. مرحله اتحاد دربرگیرنده دانش و حکمت، خلاقیت و هماهنگی و نیز خودشناسی، عشق فراگیر و سرور ابدی است (همان، ص ۲۸).

و در عباراتی دیگر آمده است:

بیماری و ضعف جسمانی فقط حاکی از فقدان نظم بنیادین و علامت خارج شدن از اتحاد درونی با همه هستی است. هنگامی که فردی با ریگی درمان می‌شود، به مرحله وحدت با هماهنگی جهانی بازمی‌گردد. این هماهنگی، می‌تواند به کوچک‌ترین سلول‌های او راه یابد و دوباره او را کامل و سالم گرداند. تعریف ریگی این است که: «ریگی ما را به مرحله کمال، یا جامعیت بازمی‌گرداند» (همان، ص ۴۱).

و در ادامه، بیان می‌دارد که این وحدت یا خلقت است که به شما آگاهی می‌دهد:

رفته رفته، ملاحظه خواهید کرد که در شما اعتمادی درونی به این انرژی شکل می‌گیرد، اعتماد به خرد و قدرتی که بر تمامی زندگیتان چیره می‌شود. رشد نوینی حاصل می‌شود که شما را به بصیرت و دانش و حس آگاهی از وحدت باتمامی خلقت و به عشق می‌رساند (همان، ص ۴۳).

در حلقه نیز به این وحدت در اتصال چنین اشاره می‌شود:

راه جمعی «اعتصموا بحبلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران، ۱۰۳)، راهی است که در آن فرد در حلقه وحدت قرار می‌گیرد. این حلقه، ... سه عضو دارد: شعور کیهانی، فرد متصل‌کننده و فرد متصل‌شونده. با تشکیل حلقه، بلافاصله فیض الهی در آن به جریان افتاده، انجام کارهای موردنظر در چارچوب این عرفان، با تشکیل حلقه‌های مختلف تحقق می‌پذیرد. برای وارد شدن به این حلقه‌ها، وجود سه عضو — شبکه شعور کیهانی، فرد متصل‌کننده و فرد متصل‌شونده — کافی است. در این صورت، عضو چهارم، الله خواهد بود.

عرفان کیهانی (حلقه) بر مبنای راه جمعی «اعتصموا»، ایجاد اتصال نموده، فیض الهی نیز با تشکیل حلقه مربوط، در آن جاری می‌گردد (طاهری، ۱۳۸۸ الف، ص ۸۳).

مراتب قدردانی و سپاس‌گزاری از شعور کیهانی!

در حلقه و ریگی بیان می‌دارد که ما باید از شبکه شعور کیهانی قدردانی کنیم، در ریگی آمده است:

مراتب قدردانی و سپاس‌گزاری: برای هرگونه درمانی، بسیار مهم است که حس قدردانی نسبت به همه چیز وجود داشته باشد؛ چراکه شخص نیروی درمان‌گری را از روح کیهانی، از طبیعت و از کردار کارمیک می‌گیرد. فردی که درمان می‌کند، فقط واسطه‌ای برای جریان یافتن انرژی کیهانی است. پس مهم است که قبل از شروع ریگی یا هر نوع درمان دیگری شکرگزار باشیم (پالان، ۱۳۸۴، ص ۱۶).

در عرفان حلقه هم نسبت به نقش شبکه شعور کیهانی و سپاس‌گزاری در این مورد تأکید شده است و عامل بازگشت بیماری را ناسپاسی می‌داند:

این نوع بازگشت زمانی رخ می‌دهد که بیمار به‌صورتی اختیاری مرتکب تخلفاتی می‌شود که در آن، به نوعی نقش شعور کیهانی در درمان، از طرف بیمار نادیده گرفته شده و یا مورد کتمان قرار گرفته است. نمونه‌های بارز این تخلفات، شک و تردید، انکار و ناسپاسی، کتمان و نسبت دادن درمان به‌جایی غیر از شبکه شعور کیهانی است (طاهری، ۱۳۸۸ اب، ص ۱۲۸).

نتیجه‌گیری

این مقاله درصدد بیان ابطال دو ادعای طاهری بوده، اولاً اینکه تمام مباحث عرفانی به او وحی شده و الهاماتی است که از سوی خداوند به وی صورت پذیرفته و این مباحث را از جایی اقتباس نکرده است. ثانیاً، او درصدد بیان عرفان اصیل ایرانی — اسلامی است. برای رد ادعای اول، چهارده مورد از مشترکات عرفان حلقه با فرقه ریگی بیان شد که نشان می‌دهد این مباحث وحی الهی به طاهری نبوده است و دقیقاً ترجمه مطالب در مکاتب دیگر و از جمله ریگی است. این همه شباهت کذب ادعای دوم او را نیز

منابع

- قرآن کریم، ۱۳۹۰، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، چ ۳، بیروت، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران.
- امینی (کارشناس آگاه پرونده)، ۱۳۹۲، مصاحبه، ۱۵ تیر.
- باگیسکی، بودوجی و شلیلا شارامون، ۱۳۸۶، ریکی، *شیوه جامع انرژی درمانی*، ترجمه اکرم افشار، چ ششم، تهران، روزنه.
- پالان، ون گو، ۱۳۸۴، ریکی، *دانش راستین زندگی*، ترجمه رضا رامز، چ دوم، تهران، اندیشه عالم.
- توفیقی، حسین، ۱۳۸۵، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت، چ هشتم.
- جاوید، علیرضا (متخصص طب سوزنی)، ۱۳۹۲، مصاحبه، ۸ مرداد.
- شاله، فلیسن، ۱۳۵۵، *تاریخ مختصر ادیان بزرگ*، ترجمه خدایار محبی، چ دوم.
- طاهری، ۱۳۸۸، *انسان از منظری دیگر*، چ نهم، بی جا، عرفان کیهانی.
- _____، ۱۳۹۲ الف، مصاحبه، ۸ آبان.
- _____، ۱۳۹۲ اب، مصاحبه، ۱۱ آبان.
- _____، ۲۰۱۱ الف، *انسان و معرفت*، ارمنستان، گریگور تاتواتسی.
- _____، ۲۰۱۱ ب، جزوه ترم ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، *تشعشع دفاعی*، فراپزشکی، دوره مربیگری.
- _____، ۲۰۱۱ ج، *فردرمانی*، آمریکا، Create Space.
- _____، *جلسات کمیته عرفان*.
- _____، محمدعلی، ۱۳۸۸ الف، *عرفان کیهانی (حلقه)*، چ ششم، قم، اندیشه ماندگار.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ هـ.ق، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- قانع، مصطفی (معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت)، ۱۳۹۲، مصاحبه، ۱۶ شهریور.
- کاپرا، فریتویف، ۱۳۷۵، *تانوی فیزیک*، ترجمه حبیب‌الله دادفرما، چ چهارم، تهران، کیهان.
- گوپتا، رامنا، ۱۳۸۲، *انرژی درمانی قدرتمند - با دست‌های شفابخش*، راهنمای مرحله اول و دوم، ترجمه پروین بیات، تهران، عصر روشن‌بینی.
- لوبک، والتر، ۱۳۸۴، *خودآموز کامل ریکی*، ترجمه فرانک گیتی‌پور، تهران، ایلیا گستر.
- مصاحبه با آقای پرفسور قانع معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت در تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۹۲.
- مصاحبه با آقای دکتر علیرضا جاوید، متخصص طب سوزنی، ۸ مرداد ۱۳۹۲.
- مصاحبه با آقای طاهری در تاریخ ۸ آبان ۱۳۹۲.
- مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، ج ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- الندبرگ، هرمان، ۱۳۴۰، *فروغ خاور: زندگی، آیین، رهبانیت بودا*، ترجمه بدرالدین کتابی، چ دوم.
- وینسر، چارمیان، ۱۳۸۶، ریکی *(نیروی شفابخش برای فکر و روان)*، ترجمه کامبیز ربانی، چ سوم، تهران، ثالث.
- (فایل‌های صوتی) www.ezharezohoor.blogfa.com (دسترسی ۱۴ اسفند ۱۳۹۲) www.reikividya.org

اثبات می‌کند و مشخص می‌کند که نه تنها عرفان او اسلامی نیست، بلکه مخالف قرآن بوده و غیرالهی بودن آن را بدیهی است. در مجموع، می‌توان گفت: حلقه در مباحث فرادرمانی خود همچنان در مباحث هستی‌شناسی و فیزیک کوانتوم و هم در نحوه اتصال، به‌طور جدی به ریکی وابسته است. از آنجاکه ریکی بر پایه ماتریالیستی بنا شده است و اتصالات آن ارتباط با موجوداتی موهوم می‌باشد، ادعای طاهری مبنی بر اسلامی بودن عرفان خودساخته‌اش و اینکه این مسیر، همان صراط مستقیمی است که تنها با یک نظر متصل شده و هر کسی با هر اعتقادی، اعم از کافر و مسلمان، می‌تواند زیر چتر عرفان حلقه بیاید، با توجه به آیات متعدد قرآن، که صراط مستقیم را شامل اعتقاد صحیح و انجام عمل صالح می‌دانند، رد می‌کند. درحالی‌که خود طاهری استفاده از روش ریکی را انکار کرده و می‌گوید:

ما ارواح رو دور می‌کنیم، اونها (ریکی) اتصال به ارواح دارند، بین چقدر تفاوت هست. ببینید ما اتصال به روح نداریم. ما روح رو دفع می‌کنیم. درست شد. اینا همه تفاوت داره. حالا بشینیم تفاوت‌هاشو با هم بذاریم در بیاریم. ما اصلاً داریم ماده، انرژی، شعور، هوشمندی نه ماده است نه انرژی. درسته تو تعریف‌ها هست که هوشمندی نه ماده است، نه انرژی. خلاصه جنگ هفتاد و ملت همه را عذرنه/ چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند. اینا همه از سوء تفاهماتیه که گفتند و شنیدند. یک چیز اینجا ارزش گذاشته نشده و اون هم اینه که به اون قرب الی الله رو بوده (طاهری، ۱۳۹۲ ب).

درواقع، طاهری علی‌رغم این همه شباهت با جدا کردن مسیر خود از ریکی، راه خود را «تقرب الی الله» و نوعی خداشناسی می‌داند. این خود نوعی فریب دیگر است. قرآن کریم درباره آن می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام: ۲۱)؛ و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده؟ بی‌تردید، ستمکاران رستگار نمی‌شوند.